

بررسی اثرات عوامل نهادی و توسعه مالی بر توسعه اقتصادی

(مطالعه موردی کشورهای منتخب در حال توسعه)

چکیده:

در این تحقیق اثرات فاکتورهای نهادی و توسعه مالی بر توسعه اقتصادی (مطالعه موردی کشورهای منتخب در حال توسعه) مورد بررسی قرار می‌گیرد. بدین منظور با به‌کارگیری سیستم معادلات همزمان و داده‌های تابلویی طی سال‌های ۲۰۲۰ - ۲۰۰۷ برای منتخبی از کشورهای در حال توسعه نتایج نشان داد که فاکتورهای نهادی از جمله شاخص‌های مقررات کسب و کار و کار آفرینی نوپا، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، سرمایه انسانی و تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر توسعه اقتصادی (شاخص لگاتوم) کشورهای منتخب دارند. علاوه بر این، شاخص مقررات کسب و کار، هزینه دولت در آموزش و توسعه اقتصادی تأثیر مثبت و معناداری بر شاخص فضای کسب و کار در کشورهای در حال توسعه دارند. لذا بر مبنای یافته‌های پژوهش که مبتنی بر اطلاعات مستند بین‌المللی در دامنه گسترده‌ای از کشورهای در حال توسعه می‌باشد ضرورت برنامه ریزی راهبردی توسعه‌گرا به منظور اجرای الزامات نهادی و قانونی در تسهیل فضای کسب و کار و ترغیب فضای کارآفرینی، همچنین اصلاح و تغییر برنامه‌های آموزش عمومی و حرفه‌ای و تخصصی با رویکرد تربیت کارآفرینان بالقوه، می‌تواند شرایط مناسب جهت ظهور کسب و کارهای کارآفرینانه، به‌ویژه فناوری محور فراهم نمود.

کلید واژه‌ها: فضای کسب و کار، کیفیت نهادی، توسعه اقتصادی، معادلات همزمان پانلی

طبقه‌بندی JEL: F۱۲, F۱۳, F۱۵

۱. مقدمه

کشورهای در حال توسعه از جهات گوناگونی همچون فاکتورهای نهادی، فرهنگ، اقتصاد و... با کشورهای صنعتی تفاوت دارند که این وجوه تمایز به نوبه خود می‌توانند نوآوری را در کشورهای در حال توسعه متأثر کنند بنابراین شایسته است به بحث نوآوری در این کشورها که به طور حتم می‌تواند فرآیند توسعه اقتصادی آنها را پشتیبانی کند، توجه ویژه‌ای مبذول گردد. بی‌تردید آگاهی از عوامل موثر بر نوآوری از جمله اثرات حقوق مالکیت فکری می‌تواند به عنوان بخشی از زیرساخت اقتصادی عمل کرده و از طریق حمایت از سرمایه‌گذاری در فعالیتهای تحقیق و توسعه موجب افزایش نوآوری در این کشورها گردد.

در کشورهای در حال توسعه، به منظور اتخاذ تصمیمات مناسب توسط سیاست‌گذاران اقتصادی برای توسعه نظام ملی، نوآوری بسیار ضروری می‌باشد. ویژگی عمده الگوهای رشد درونزا، فقدان بازدهی نزولی نسبت به نهادهایی است که می‌توانند انباشت شوند. این خاصیت باعث می‌شود رشد به طور نامحدود تداوم یابد. این الگوها رامی‌توان به سه دسته از الگوهای رشد درونزا با تأکید بر تحقیق و توسعه، سرمایه‌انسانی و فاکتورهای نهادی تقسیم بندی نمود. مبانی نظری اقتصاد سیاسی به ایده نهادگرایان بر می‌گردد که بر نقش نهادهای سیاسی در پیشرفت اقتصادی کشورها تأکید دارند به عقیده آنها عامل فقر و عدم توسعه در کشورهای عقب افتاده کمبود پس انداز و سرمایه نیست بلکه فقدان بستر نهادی مناسب برای ایجاد انگیزش در فعالیتهای اقتصادی و سیاسی می‌باشد. براساس شواهد تجربی، واگرایی فزاینده در عملکرد اقتصادی کشورها در چارچوب الگوی رشد قبلی قابل تبیین نمی‌باشد.

چرخش در سیاست‌ها و برنامه‌های بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی که از اواخر دهه ۱۹۹۰ اتفاق افتاد در گزارش‌های سالانه بانک جهانی از جمله گزارش سال ۱۹۹۷ و تحلیل این نهادها از حوادث پایانی دهه ۱۹۹۰ همچون بحران شرق آسیا متبلور است به طوری که این دو نهاد مهم بین‌المللی که خود قبلاً طراح سیاست‌های تعدیل اقتصادی بودند اکنون به منتقدان آن پیوسته و با بهره‌گیری از نظریات نهادگرایی چون داگلاس نورث^۱ و رونالد کوز^۲ و... که از اوایل دهه ۱۹۹۰ منتقد سیاست‌های تعدیل بودند اقدام به ترغیب کشورها به ایجاد بستر نهادی مناسب برای شکل‌گیری رقابت و اقتصاد بازار نموده و دیگر دولتی بودن اقتصادها را عامل عقب ماندگی اقتصادی ندانسته بلکه حکمرانی بد که وظایف حاکمیتی را به خوبی انجام نمی‌دهد را عامل عمده در این خصوص دانسته و توانمندسازی^۳ دولت یا ایجاد حکمرانی خوب در این کشورها را از برنامه‌های خود معرفی می‌کنند.

در ارتباط با اثر عوامل نهادی روی رشد، کارهای تجربی مهم بسیاری انجام گرفته که اکثر آنها از دهه ۹۰ به بعد بوده و حقوق مالکیت یکی از نهادهای تعیین‌کننده عملکرد اقتصادی است. پیچیده شدن اقتصادها در دنیای مدرن باعث پیچیده تر شدن حقوق مالکیت شده طوری که در اقتصاد دانش محور، حقوق مالکیت نقش مهم‌تری به عهده دارد که بدون آن تولید و انتشار دانش که موتور محرک اقتصادهای مدرن است، امکان ناپذیر می‌گردد (نورث، ۲۰۰۵).

الگوهای رشد اقتصادی، رشد کمی ارزش تولید و درآمد کشورها را به عنوان یک بعد از ابعاد توسعه ای معرفی و عوامل موثر بر آن را در جوامع و مقاطع زمانی مختلف تحلیل می‌کنند. این نظریات در ادبیات علم اقتصاد، عناصر کلاسیک نیروی

^۱ North, douglass

^۲ Coase, ronald

^۳ Capable

کار، سرمایه فیزیکی و تغییرات تکنولوژی را عامل رشد معرفی کرده اند اما مطالعات تجربی نشان داده کشورها علی‌رغم وجود نیروی کار و سرمایه فیزیکی به دلیل ضعف در انسجام ترتیبات نهادی، ناکارآمدی و ناکافی بودن نهادهای حمایت کننده بخش تولید و توزیع، از رشد اقتصادی پایدار و فراگیر بازمانده‌اند بنابراین عامل دیگری که در نظریات جدید رشد اقتصادی بر آن تأکید شده، کیفیت فضای کسب و کار است (رودریک و همکاران^۱، ۲۰۰۴).

یکی از دلایل پایین بودن سطح توسعه کشورهای در حال توسعه، کمبود سرمایه انسانی است، در این تحقیق به بررسی اثرات فاکتورهای نهادی و توسعه مالی بر توسعه اقتصادی در کشورهای در حال توسعه طی دوره زمانی ۲۰۰۷ تا ۲۰۲۰ پرداخته شده است.

۲. مبانی نظری

مدل‌های رشد جدید، با کار اولیه رومر (۱۹۸۶) سعی نمودند با معرفی فاکتورهای جدید یعنی اثرات مقیاسی (بازدهی فزاینده نسبت به مقیاس)، بازارهای غیر رقابتی، تحقیق و توسعه و ... به رفع این مشکل بپردازند. برخلاف مدل رشد برونزا که سیاست‌های اقتصادی تنها در دوره گذار اثر سطحی داشتند، در مدل‌های رشد درونزا این سیاست‌ها اثرات بلندمدت دارند. از این رو سیاست‌هایی مانند آزادسازی اقتصادی و توسعه مالی در مدل‌های رشد اقتصادی جایگاه خاصی پیدا کردند. در مدل‌های رشد درونزا مانند گراسمن و هلپمن^۲ (۱۹۹۱)، رومر (۱۹۹۰) و کروگمن^۳ (۱۹۹۰)، اثرات رشد تجارت از سه مسیر تحقیق و توسعه، بازدهی فزاینده نسبت به مقیاس و اثرات سرریز تکنولوژیکی مورد بررسی قرار گرفت. در این مدل‌ها، اثرات رشدی تجارت از طریق اثرات مقیاسی ایجاد می‌شود. این اثرات از طریق فعالیت‌های تحقیق و توسعه که عامل ایجاد اختراع در کشورها هستند، منتقل می‌شوند. تجارت بین‌الملل، از طریق جریان ایده‌ها و اثرات سرریز تکنولوژیکی، انباشت دانش که بر اختراع کالاها موثر است را افزایش می‌دهد. هم‌چنین تجارت با عرضه محصولات جدیدتر برای یک کشور، از انتقال منابع از بخش‌های مولدتر آن جهت انجام فعالیت‌های تحقیق و توسعه برای ساخت آن محصول جلوگیری می‌کند. به طور کلی می‌توان گفت، تجارت یا آزادسازی تجاری در بلندمدت، محرکی برای رشد اقتصادی کشورها خواهد بود (وامواکیداس^۴، ۲۰۰۲ و ص ۶۱-۶۰).

سرمایه انسانی اصطلاحی است که به مجموعه مهارت‌ها، آموزش، شایستگی‌ها و ویژگی‌های دیگر افزایش‌دهنده بهره‌وری نیروی کار اطلاق می‌شود (عجم اوغلو^۵، ۲۰۰۹: ۸۵). برای حرکت به سوی اقتصاد مبتنی بر دانش و رهایی از اقتصاد تک محصولی لازم است توجه کافی به سرمایه انسانی صورت گیرد (شاه‌آبادی^۶ و همکاران، ۱۳۹۸). امروزه در کنار شاخص آموزش، شاخص سلامت نیز به‌عنوان متغیر نشان‌دهنده سطح سرمایه انسانی برای توضیح و توجیه رشد متفاوت مناطق استفاده می‌شود. اثرات مثبت خارجی بهداشت، منطق انجام مخارج توسط دولت در حوزه بهداشت را فراهم می‌کند (دیسو و همکاران^۷، ۲۰۱۶).

^۱ Rodrik et al;

^۲ Grossman and Helpman

^۳ Krugman

^۴ Vamvakidis

^۵ Acemoglu

^۶ Shahabadi

^۷ Dissou and et al

نهادگرایی چون هال و جونز^۱ (۱۹۹۹) و عاصم اوغلو و همکاران^۲ (۲۰۰۱)، تفاوت در نهادهای سیاسی و قانونی حاکم بر جوامع را به عنوان عامل مهم تفاوت در رشد اقتصادی کشورها مطرح کرده‌اند. محیطی که اقتصاد را شکل می‌دهد، بر پویایی‌های کارآفرینی در درون هر کشور اثر می‌گذارد. این محیط از طریق وابستگی‌های متقابل بین توسعه اقتصادی و نهادها شناخته می‌شود که بر سایر مشخصات مانند کیفیت حکمرانی، دسترسی به سرمایه و سایر منابع و بر ادراکات کارآفرینان اثر می‌گذارد. نورث^۳ (۱۹۹۰) و ویلیامسون^۴ (۱۹۹۸)، نهادها را تعیین‌کننده‌های اساسی رفتار و مبادلات اقتصادی می‌دانند که آثار مستقیم و غیرمستقیمی بر عرضه و تقاضای کارآفرینان می‌گذارد. در واقع زمانیکه روابط اقتصادی در حوزه‌ای برقرار شود که هزینه‌های معاملاتی مهم باشند، معناداری متغیرهای محیط کسب و کار در تصمیم‌گیری برای اشتغال به فعالیت کارآفرینانه، اهمیت خواهد داشت. آثانورث (۱۹۹۴، ۱۹۹۰)، بینش‌های نظری مهمی درباره توسعه کارآفرینی در محیط‌های مختلف کسب و کار فراهم می‌کند؛ کارآفرینان عاملان اصلی تغییر هستند. سازمان‌هایی مانند بنگاه‌ها که توسط کارآفرینان تشکیل می‌شوند، فعالیت‌ها و استراتژی‌های خود را متناسب با فرصت‌ها و محدودیت‌های موجود در چارچوب نهادی رسمی و غیررسمی منطبق می‌کنند.

بنابراین فرضیه‌های پژوهش بر اساس مبانی و چارچوب نظری مرور شده به صورت زیر طراحی شده است:

۱- شاخص‌های کیفیت نهادی (فضای کسب و کار) بر توسعه اقتصادی تأثیر مثبت و معناداری دارد.

۲- توسعه سرمایه انسانی و توسعه مالی تأثیر مثبت و معناداری بر توسعه اقتصادی دارد.

۳- شاخص‌های کیفیت نهادی (کارآفرینی) بر توسعه اقتصادی تأثیر مثبت و معناداری دارد.

۳. مطالعات انجام شده در داخل

سرفراز محمدیار و همکاران (۱۴۰۲)، در پژوهشی، تأثیرات تقاطعی غیرخطی کارآفرینی و عوامل نهادی بر توسعه مالی (تسهیلات اعطایی توسط سیستم بانکی و ارزش سهام معاملاتی) در ۱۴ کشور با شاخص توسعه انسانی بالاطی دوره زمانی ۲۰۲۰-۲۰۰۷ با استفاده از تکنیک اقتصادسنجی پانل دیتا با رهیافت غیرخطی الگوی خودتوضیح برداری با وقفه‌های گسترده (NARDL) پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که شوک‌های مثبت (منفی) اثرات تقاطعی کارآفرینی و عوامل نهادی، دارای تأثیر مثبت (منفی) بر تسهیلات بانکی و ارزش سهام معاملاتی می‌باشند.

عزیزی و همکاران (۱۴۰۰)، به بررسی گروهی از عوامل غیراقتصادی و کیفی مهم بر توسعه مالی پرداختند. در این مطالعه تأثیر میانگین ۳ شاخص ICRG به عنوان شاخص کیفیت نهادها، شاخص POLITY IV به عنوان شاخص دموکراسی و شاخص حقوق مالکیت بر شاخص‌های بانکی به عنوان شاخص توسعه مالی برای ۲۷ کشور در حال توسعه منطقه اوراسیا طی سال‌های ۲۰۱۵-۱۹۹۹ بررسی شده است. بر این اساس، یک الگوی اقتصادسنجی تصریح و به روش گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) در داده‌های پانل برآورد گردید. نتایج حاصل از این مطالعه دلالت بر این دارد که کیفیت بالای نهادها، دموکراسی بالاتر و حمایت حقوق مالکیت، اثر مثبت و معناداری بر توسعه مالی در کشورهای مورد بررسی داشته است.

سعیدی و همکاران (۱۴۰۱)، در تحقیقی به بررسی اثرات عوامل نهادی و سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه پرداختند. بدین منظور با به‌کارگیری رویکرد داده‌های تابلویی طی سال‌های ۲۰۱۸-۲۰۱۰ برای منتخبی از کشورهای در حال توسعه، نشان دادند که عوامل نهادی از جمله شاخص‌های مقررات کسب و کار و کارآفرینی‌نویا،

^۱ Hall & Jones

^۲ Acemoglu et al;

^۳ North

^۴ Williamson

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، سرمایه انسانی و تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب دارند. علاوه بر این، شاخص مقررات کسب و کار، هزینه دولت در آموزش و نرخ رشد اقتصادی تأثیر مثبت و معناداری بر شاخص فضای کسب و کار در کشورهای در حال توسعه دارند.

عزتی و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهشی از شاخص‌های حکمرانی خوب، دموکراتیک بودن حکومت، سهولت کسب و کار و باز بودن اقتصاد که به عنوان متغیرهای نشانگر عوامل نهادی استفاده شده است. مدل تجربی این بررسی، با داده‌های دوره زمانی ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۶ و با استفاده از روش رگرسیون EGLS برآورد شده است. آنها نشان دادند شاخص‌های حکمرانی خوب، سهولت کسب و کار، آزادسازی اقتصادی، سهم بخش خصوصی از بخش مالی و نرخ تورم اثر مثبت و معناداری بر شاخص ترکیبی توسعه مالی داشته‌اند. در برابر، شاخص دموکراسی اثر منفی بر توسعه مالی داشته است.

بختیاری و شایسته (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای به بررسی رابطه بین بهبود فضای کسب و کار ایران در مقایسه با دیگر کشورهای جهان و رشد اقتصادی با استفاده از روش داده‌های تابلویی طی دوره زمانی ۱۳۸۴-۱۳۹۰ پرداختند. یافته‌های آنها نشان می‌دهد بهبود فضای کسب و کار رابطه مثبت و معناداری با رشد اقتصادی در کشورهای مورد بررسی داشته است. نجارزاده نوش‌آبادی و همکاران (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای تحت عنوان «نقش کارآفرینی مولد و غیرمولد در رشد اقتصادی» نقش کارآفرینی مولد و غیرمولد در رشد اقتصادی کشورها از طریق دوشاخ خوداشتغالی به عنوان شاخصی برای کارآفرینی غیرمولد و نوآوری به عنوان شاخصی برای کارآفرینی مولد بررسی نموده‌اند و نتایج حاصل از تخمین الگوی رگرسیونی برای ۶۰ کشور منتخب توسعه یافته و در حال توسعه برای دوره ۲۰۰۸-۱۹۹۶، با استفاده از روش داده‌های تابلویی نشان می‌دهد و خوداشتغالی اثر منفی و نوآوری اثری مثبت بر رشد اقتصادی دارد و لازم نیست نیل به رشد اقتصادی بلندمدت، کارآفرینی بر مبنای نوآوری دانسته شده است.

حسین‌زاده بحرینی و همکاران (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر مقررات کسب و کار بر رشد اقتصادی» به این مطلب اشاره می‌کنند که امروزه بنگاه‌های اقتصادی در راه‌اندازی، به کارگیری عوامل تولید و دیگر مراحل کسب و کار با قوانین و مقررات زیادی مواجه‌اند. به نظر آن‌ها مقررات دست و پا گیر اداری در محیط کسب و کار، یکی از موانع مهم تولید و سرمایه‌گذاری محسوب می‌شود. نویسندگان با توجه به اهمیت موضوع، جهت بررسی تأثیر قوانین و مقررات کسب و کار بر رشد اقتصادی، شاخصی را با عنوان «سختی مقررات کسب و کار» با استفاده از داده‌های بانک جهانی ساخته‌اند. نتایج حاصل از برآورد الگو به روش داده‌های تابلویی برای نمونه ۶۲ کشور طی سال‌های ۲۰۰۳-۲۰۰۶ نشان می‌دهد که مقررات سخت و پیچیده کسب و کار بر رشد اقتصادی تأثیر منفی می‌گذارد.

صباحی و همکاران (۱۳۹۲)، به بررسی اثر کارآفرینی بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب با استفاده از داده‌های سال ۲۰۰۸ و مدل رشد درونزای رومر به روش حداقل مربعات معمولی پرداختند که یافته‌های آن‌ها حاکی از اثر معنی‌دار کارآفرینی بر رشد اقتصادی است. در واقع نتایج تحقیق نشان می‌دهد در کشورهای با درآمد سرانه بالا، اثر کارآفرینی بر رشد اقتصادی مثبت و در کشورهای کم‌درآمد و فقیر این اثر منفی است.

عبدالهی و همکاران (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای به بررسی اثر شاخص‌های فضای کسب و کار بر رشد اقتصادی ایران و مقایسه آن با کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۱ پرداخته‌اند. آن‌ها در مقاله خود، به دنبال بررسی وضعیت فضای کسب و کار در ایران و مقایسه آن با کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، بررسی اثر شاخص‌های فضای کسب و کار بر رشد اقتصادی ایران و کشورهای عضو سازمان موصوف بوده‌اند. پژوهش آن‌ها بر اساس روش تحلیلی با استفاده از تکنیک‌های اقتصادسنجی و اطلاعات آماری بانک جهانی و سایت محیط کسب و کار است نتایج حاکی از اثرگذاری بیشتر شاخص‌های حمایت از سهامداران خرد، اخذ اعتبار و اجرای قراردادهای بر

رشد اقتصادی کشورهای مورد بررسی است که توجه به این شاخص‌ها و بهبود آن‌ها می‌تواند تأثیر بسزایی بر رشد اقتصادی کشورهای مورد بررسی به همراه داشته باشد.

حکمتی فرید و همکاران (۱۳۹۵) با استفاده از داده‌های تابلویی سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۳ اثر شاخص‌های فضای کسب و کار و مالکیت فکری بر رشد اقتصادی کشورهای بادرآمد متوسط به بالا را مورد بررسی قرار دادند. بررسی نتایج آن‌ها نشان می‌دهد که شاخص‌های فضای کسب و کار شامل شاخص‌های اخذ مجوز، شروع به کار و اخذ تسهیلات، تأثیر گذاری مثبت و معنی‌دار بر رشد اقتصادی دارا هستند. همچنین شاخص‌های حقوق مالکیت فکری، حکمرانی خوب (شامل کیفیت قوانین وثبات سیاسی)، سرمایه ثابت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نیز تأثیر مثبت و معنی‌داری بر تولید سرانه کشورهای بادرآمد متوسط به بالا داشته‌اند.

مهربانی و همکاران (۱۳۹۵)، اثر شاخص‌های فضای کسب و کار بر رشد اقتصادی برای یک نمونه منتخب از ۴۴ کشور عضو منا و سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه طی دوره زمانی ۲۰۱۲-۲۰۰۶ با استفاده از روش گشتاور تعمیم یافته پرداختند. نتایج این بررسی نشان داد که رشد اقتصادی ایران به دلیل فقدان محیط کسب و کار مناسب از شرایط مناسبی برخوردار نیست. از سوی دیگر بررسی شاخص‌های فضای کسب و کار حاکی از آن است که این شاخص‌ها در ایران در مقایسه با کشورهای منتخب از جایگاه مناسبی برخوردار نمی‌باشد.

فاخر و عابدی^۱ (۱۳۹۵): در قالب الگوی سیستم معادلات هم‌زمان مبتنی بر داده‌های تابلویی، تأثیر باز بودن تجاری و رشد اقتصادی بر ردپای اکولوژیکی را در کشورهای منتخب در حال توسعه طی دوره زمانی ۲۰۱۴-۱۹۹۴ مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج نشان داد که رشد اقتصادی اثر مثبت و معنی‌داری بر شاخص ردپای اکولوژیکی دارد.

۴. مطالعات انجام شده در خارج

یانگ (۲۰۱۰) در بررسی عوامل موثر بر توسعه انسانی، به مطالعه رابطه توسعه انسانی و اثربخشی دولت با استفاده از شاخص‌های حکمرانی خوب در چارچوب رهیافت داده‌های تابلویی پرداخته و بیان می‌دارد توسعه انسانی، یکی از عوامل بهبود کیفیت نیروی کار و خدمات عمومی و در نتیجه عملکرد اقتصادی است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که رابطه مثبتی بین کارایی دولت و توسعه انسانی وجود دارد.

آمن‌دولا و همکاران^۲ (۲۰۱۱) به طور تجربی اثر حقوق مالکیت کل را بر نابرابری درآمد ۶۳ کشور در حال توسعه بررسی نمودند یافته‌های آن‌ها حاکی از آن است که حمایت از حقوق مالکیت فکری به طور معناداری درآمد را در اکثر کشورهای در حال توسعه بویژه در کشورهایی که از سطوح ضعیف برابری سیاسی برخوردارند، افزایش می‌دهد همچنین ترتیبات نهادی همانند حقوق مالکیت در جهت حمایت از منافع گروه افراد ثروتمند جامعه است.

هرالا، تورک و آریس^۳ (۲۰۱۶) به بررسی تأثیرات سیاسی بر انباشت سرمایه انسانی در کشورهای حوزه منا پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که بی‌ثباتی سیاسی با تشدید شرایط اخذ اعتبارات مانع انباشت سرمایه انسانی در این کشورهاست. نتایج تحقیق هیلایر^۴ (۲۰۱۹) در باب تأثیر حکمرانی بر تأثیر گذاری مخارج دولت در سطح سلامت کشورهای آفریقائی (تحلیل مقطعی) نتایج متناقضی را حاصل کرده است.

خان و همکاران (۲۰۱۹)، اثر کیفیت نهادی را بر توسعه مالی در ۱۵ اقتصاد نوظهور بررسی نموده‌اند. به منظور سنجش کیفیت نهادی از دو شاخص ICRG در دوره ۲۰۱۷-۱۹۸۴ و حکمرانی خوب در دوره ۲۰۱۶-۱۹۹۶

^۱ Fakher & Abedi

^۲ Amendola et al

^۳ Herralá & Turk-Ariss

^۴ Hilaire

در قالب دو الگوی مجزا استفاده نموده‌اند. در این مقاله همچنین به بررسی اثر زیرشاخص‌های مربوط به این دو شاخص نیز پرداخته شده است. نتایج حاصل از این پژوهش تأییدکننده اثر مثبت و معنادار کیفیت نهادی بر توسعه مالی در این کشورها بوده است.

لی و همکاران (۲۰۲۱)، پژوهشی با عنوان "درک پویایی نفرین منابع در کشورهای گروه ۷: نقش رانت منابع طبیعی و سه جنبه توسعه مالی" انجام دادند و نمونه مورد بررسی این پژوهش کشورهای گروه ۷، که دارای درجه بالای قدرت نهادی هستند، به مدت چهاردهه از ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۸ است. آنها ابتدا وجود یا عدم وجود نفرین منابع را با بررسی ارتباط بین رانت منابع طبیعی و توسعه مالی در کشورهای گروه ۷ ارزیابی می‌کنند، سپس با استفاده از شاخص توسعه مالی، دوکانال این نفرین منابع طبیعی یعنی بازارهای مالی و موسسات مالی را بررسی می‌کنند و نتایج بررسی آنها وجود نفرین منابع در بلندمدت برای اقتصاد کشورهای گروه ۷ را رد می‌کند و نتیجه می‌گیرند این نعمت، تنها برای توسعه بازارهای مالی هست.

له و همکاران (۲۰۱۶)، اثر کیفیت نهادی را بر توسعه مالی در ۲۶ کشور آسیایی مورد ارزیابی قرار داده‌اند. ایشان در چارچوب یک الگوی پنل در دوره ۱۹۹۵-۲۰۱۱ نشان داده‌اند که هرچه حکمرانی بهتر باشد سبب تقویت توسعه مالی در اقتصاد می‌شود. در کنار این متغیر باز بودن تجاری و رشد اقتصادی نیز از جمله عوامل کلیدی مؤثر بر توسعه مالی در این کشورها بوده است.

دستک و سینها^۱ (۲۰۲۰): با استفاده از رویکرد پانل دیتا به بررسی تاثیر مصرف انرژی، توسعه مالی، رشد اقتصادی و بازبودن تجاری بر شاخص ردپای اکولوژیکی در قالب فرضیه منحنی محیط زیستی کوزنتس برای کشورهای منتخب عضو OECD در دوره زمانی ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۴ پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که فرضیه منحنی محیط زیستی کوزنتس مورد تایید قرار نمی‌گیرد.

کامران خان و همکاران^۲ (۲۰۱۹): با استفاده از رهیافت خودرگرسیون با وقفه‌های گسترده (ARDL) رابطه توسعه مالی، رشد اقتصادی، مصرف انرژی و بازبودن تجاری با کیفیت محیط زیست را برای کشور پاکستان در بازه زمانی ۲۰۱۶-۱۹۷۱ مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج نشان داد که یک رابطه خطی مثبت بین رشد اقتصادی و انتشار دی اکسید کربن وجود دارد.

بدیب و لین (۲۰۱۷)، در پژوهشی عوامل مؤثر بر شاخص‌های توسعه مالی را در یمن طی سالهای ۲۰۱۲-۱۹۸۰ با استفاده از روش (ARDL) مورد بررسی قرار داده‌اند. در این راستا متغیرهای اقتصادی از جمله نرخ رشد اقتصادی، باز بودن تجاری، وابستگی به منابع طبیعی و تورم بعنوان عوامل اصلی و مؤثر بر شاخص‌های توسعه مالی در یمن شناخته شده‌اند. نتایج تحقیق بیانگر آن است که رشد متغیرهای رشد اقتصادی و باز بودن تجاری دارای اثر مثبت و معنادار بر توسعه مالی می‌باشند در حالی که وابستگی به منابع طبیعی شاخص‌های توسعه مالی را در جهت منفی متاثر ساخته است. همچنین متغیر نرخ تورم اثر منفی و معنادار بر دو شاخص کارایی و تعمیق مالی در یمن داشته است.

اکس و همکاران (۲۰۱۸)، در پژوهشی دریافتند که کیفیت نهادها عاملی برای تشویق کارآفرینی مولد و مانعی برای کارآفرینی غیرمولد محسوب میشوند؛ و این مهم به نوبه خود، رشد اقتصادی بالاتری را موجب میشود.

گوس (۲۰۱۶)، در مطالعه‌ای به بررسی "رابطه بین نهادها و رشد اقتصادی برای ۱۱۹ کشور در طول ۱۰ سال با استفاده از الگوی خود رگرسیون برداری ساختاری" پرداخت. با کنترل کردن اثرات ثابت فردی، مشخص شد که شوک

^۱ Destek and Sinha

^۲ Kamran khan et al.

های خارجی روی شاخص آزادی اقتصادی موسسه فری زر، بعنوان پراکسی برای کیفیت نهادی، اثری مثبت و معنادار بر افزایش تولید ناخالص داخلی سرانه دارد.

آپاریسیو، یوربانو و ادریچ (۲۰۱۶)، در مقاله‌ای با عنوان "عوامل نهادی، فرصت‌های کارآفرینی و رشد اقتصادی" با استفاده از روش حداقل مربعات سه مرحله‌ای از طریق داده‌های پانل، عوامل نهادی را که فرصت‌های کارآفرینی را تشویق می‌کند تا به نرخ رشد اقتصادی بالاتر دست یابد، در ۴۳ کشور (۲۰۰۴-۲۰۱۲م) شناسایی کرده‌اند. نتایج پژوهش آنها نشان می‌دهد نهادهای غیررسمی در مقایسه با نهادهای رسمی تأثیر بیشتری در فرصت‌های کارآفرینی دارند و متغیرهایی مانند تعداد مراحل دخیل در شروع یک کسب و کار و پوشش بیمه خصوصی برای دستیابی به اعتبار تأثیر مثبتی بر کارآفرینی و در نتیجه رشد اقتصادی در کشورهای منتخب، به خصوص در کشورهای امریکای لاتین، دارد.

آدسویه و آتاندا (۲۰۱۴)، در پژوهشی نشان دادند سیستم مالی کارآمد و قوی به عنوان یک موتور قدرتمند اقتصادی عمل میکند که منابع حاصل از وجوه پس‌اندازکنندگان را دریافت و آنها را به فعالیت‌های اقتصادی سودآور و دارای ارزش افزوده بالا هدایت می‌کند، بدین ترتیب منجر به کاهش هزینه مبادله، افزایش بهره‌وری و رشد اقتصادی میشود. بر این اساس یکی از عوامل مهمی که امروزه در راستای دستیابی به رشد اقتصادی مستمر میتواند نقشی اساسی ایفا کند، توسعه بخش مالی است.

۵- روش تحقیق، معرفی مدل و متغیرها

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و تحلیل رگرسیونی می‌باشد و از داده‌های آمارهای بین‌المللی مانند بانک جهانی^۱، گزارش‌های دیده‌بان جهانی کارآفرینی^۲، سایت فضای کسب کار^۳، مطالعات کتابخانه‌ای و... استفاده می‌شود. داده‌های مربوط به فضای کسب و کار از بانک جهانی و سایت فضای کسب و کار و داده‌های مربوط به کارآفرینی از گزارش‌های دیده‌بان جهانی کارآفرینی برای دوره زمانی ۲۰۰۷ تا ۲۰۲۰ استخراج شده است.

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، از روش معادلات پویای داده‌های ترکیبی با نرم‌افزار اقتصادسنجی ایویوز استفاده و براساس مطالعات مدل سایمون دجانکو، مارال ملیچ و ریتا رامالهو^۴ (۲۰۱۶) برای برآورد اثرگذاری متغیرهای تأثیرگذار روی تابع رشد اقتصادی در کشورهای مورد مطالعه به صورت زیر استفاده شده است.

در واقع ناهمگنی قابل (مشاهده یا غیرقابل مشاهده) مقاطع را نشان می‌دهد. فرض بر این است که این ناهمگنی در طول زمان تغییر نمی‌کند و مختص مقاطع است. یکی از مواردی که باعث تمایز بین روش‌های مختلف برآورد معادله رگرسیونی پانلی می‌شود، فرضی است که برای لحاظ کردن ویژگی‌های خاص هر مقطع در نظر گرفته می‌شود. روش ساده این است که اختلافی بین مقاطع در نظر گرفته نشود و عرض از مبدأ یکسان برای تمامی مقاطع در نظر گرفته شود که در این حالت معادله رگرسیونی با استفاده از حداقل مربعات معمولی قابل تخمین است. اگر ناهمگنی بین مقاطع به لحاظ آماری معنی‌دار باشد و با متغیرهای توضیحی همبستگی داشته باشد، از اثرات ثابت برای برآورد معادله رگرسیونی

^۱ www.worldbank.org

^۲ www.doingbusiness.org

^۳ www.gemconsortium.org

^۴ Simeon Djankov, Caralee McLiesh, Rita Ramalho

پانلی استفاده خواهد شد و روش تخمین، حداقل مربعات متغیرهای مجازی (LSDV)^۱ نامیده می‌شود. اگرچنانچه اثرات فردی اکیداً با متغیرهای توضیحی همبستگی نداشته باشند بایستی جملات ثابت فردی طوری مدل سازی شوند که به‌طور تصادفی بین مقاطع توزیع شوند. باید توجه داشت که در این حالت واریانس های مربوط به مقاطع مختلف باهم یکسان نیست؛ لذا به‌منظور برآورد باید از روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته (GLS)^۲ استفاده شود.

(۱)

$$\dot{C}h = C_{it} + \beta_1 ENTR_{it} + \beta_2 FDI_{it} + \beta_3 KI_{it} + \beta_4 LHC_{it} + INST_{it} + e_{it}$$

CH_{it} = توسعه اقتصادی در کشور_{it} در زمان tام (شاخص لگاتوم)

C = عرض از مبدأ

ENTR_{it} = شاخص کارآفرینی نوپا در کشور_{it} در زمان tام

FDI_{it} = میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشور_{it} در زمان tام

KI_{it} = تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی به صورت درصدی از تولید ناخالص

LHC_{it} = کل نیروی کار در کشور_{it} در زمان tام

INST_{it} = شاخص کیفیت نهادی (میانگین شاخص های حکمرانی خوب) در کشور_{it} در زمان tام

e_{it} = جمله اخلاص در کشور_{it} در زمان tام

در این قسمت از تحقیق الگوی موردنظر را جهت انجام تخمین‌های لازم، مورد تصریح قرار می‌دهیم و در ادامه به معرفی متغیرهای درونزا و برونزا خواهیم پرداخت. همچنین روش انجام تحقیق و جامعه آماری مورد نظر بیان خواهد شد. برای جمع‌آوری اطلاعات از روش پژوهش اسنادی وبانک های اطلاعاتی استفاده می‌شود. در واقع جمع‌آوری داده‌ها به شیوه کتابخانه‌ای و بانک های اطلاعاتی (بانک جهانی، صندوق بین المللی پول، بنیاد هریتیج و...) صورت می‌گیرد. با توجه به اینکه در این تحقیق رابطه علیت دوطرفه شاخص کیفیت نهادی و رشداقتصادی را بررسی می‌کنیم، بنابراین کشورهای دارای توسعه اقتصادی بیشتری هستند از زیرساخت های آموزشی مناسب و هزینه تحقیق و توسعه بیشتر در کنار امکانات و تجهیزات فرصت های نوآوری برخوردار می‌باشند. بنابراین متغیرهایی که در مدل اول مورد بررسی قرار گرفته‌اند در مجموع شامل چهارمتغیر (شاخص کارآفرینی نوپا، میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی و کل نیروی کار) می‌باشد و با این توضیح بیان می‌شود که در رأس آن‌ها متغیر وابسته مدل، یعنی توسعه اقتصادی (شاخص لگاتوم) که به عنوان شاخصی برای توسعه اقتصادی است مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این تحقیق برای بررسی تاثیر شاخص های کیفیت نهادی بر رشداقتصادی از مدل ۱ استفاده می‌شود اما برای بررسی تاثیر توسعه اقتصادی، شاخص های نهادی از مدل زیر استفاده می‌کنیم:

$$INST_{it} = C + \beta_1 CH_{it} + \beta_2 DBA_{it} + \beta_3 EG_{it} + ENTR_{it} + e_{it} \quad (2)$$

CH_{it} = توسعه اقتصادی در کشور_{it} در زمان tام (شاخص لگاتوم)

ENTR_{it} = شاخص کارآفرینی نوپا در کشور_{it} در زمان tام

DBA_{it} = شاخص مقررات فضای کسب و کار در کشور_{it} در زمان tام

EG_{it} = هزینه دولت در آموزش در کشور_{it} در زمان tام

INST_{it} = شاخص کیفیت نهادی در کشور_{it} در زمان tام

^۱ Least Square Dummy Variable

^۲ Generalized Least Squares

e_{it} = جمله اخلاص در کشور t ام در زمان t

در این مدل، تاثیر توسعه اقتصادی، شاخص نهادی کارآفرینی بر کیفیت نهادی و هزینه دولت در آموزش که به عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده اند بر متغیر وابسته شاخص کیفیت نهادی مورد بررسی قرار می‌گیرد. نوآوری در این مطالعه شش شاخص حکمرانی خوب ارائه شده توسط بانک جهانی مورد توجه قرار می‌گیرد. این شاخص‌ها حاصل تلاش سه تن از محققان بانک جهانی به نام‌های دانیل کافمن، آرت کرای و پابلو زوییدو لوباتون است که یافته‌های مؤسسات مختلف بین‌المللی پیرامون وضعیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشورها را بایکدیگر ادغام کرده و شاخص‌های کلی تحت عنوان شاخص‌های حکمرانی را معرفی نموده‌اند. نتیجه کار آن‌ها در قالب شش شاخص و با دادن نمراتی از (۲,۵-) به بدترین حالت تا (۲,۵+) به بهترین حالت و یا رتبه‌بندی از ۰ تا ۱۰۰ برای هر شاخص، ارائه شده است. آمار و اطلاعات لازم برای این پژوهش با استفاده از منابع معتبر آماری نظیر گزارش‌های توسعه انسانی منتشر شده توسط برنامه توسعه سازمان ملل متحد و داده‌های بانک جهانی تحت عنوان شاخص‌های حکمرانی جهانی (WGI) به دست آمده است. داده‌های مربوط به شاخص آزادی اقتصادی از شاخصی که معرف شاخص "جی وارتنی" متعلق به موسسه کانادایی "فریزر" که از میانگین موزون شاخص‌های (ابعاد دولت، ساختار قضایی یا قانونی و حفاظت از حقوق مالکیت، ثبات پولی، آزادی تجارت خارجی و مقررات اعتباری و قوانین کار و تجارت) می‌باشد استخراج گردیده است. در این پژوهش شاخص‌های رتبه‌بندی شده حکمرانی خوب (بین ۰ تا ۱۰۰) در کشورهای مورد مطالعه مورد استفاده قرار می‌گیرند.

۶- یافته‌های تجربی تحقیق

۶-۱. مانایی متغیرها

متغیرهای اقتصاد کلان اغلب حاوی یک روند تصادفی (ریشه واحد) هستند که با تفاضل گیری روند مذکور حذف می‌شود. در روش داده‌های تابلویی که طول دوره سری‌های زمانی آن قابل توجه باشد، برای اطمینان از عدم کاذب بودن رگرسیون برآورد، نیاز به بررسی مانایی متغیرهای مدل است که در صورت نامانایی باید آزمون‌های هم‌جمعی نیز مورد بررسی قرار گیرد (محمدی، ۱۳۹۰)؛ اما با توجه به اینکه تعداد سال‌های مورد بررسی در این مطالعه در روش پانل دیتا کمتر از حدی می‌باشد که بتوان مانایی متغیرها را بررسی کرد، بنابراین به دلیل محدودیت دوره زمانی (۲۰۱۸-۲۰۱۰) آزمون ریشه واحد لزومی نداشته و لذا به مباحث مانایی و هم‌جمعی در روش پانل دیتا پرداخته نخواهد شد.

۶-۲. پیش آزمون‌های داده‌های تابلویی

۶-۲-۱. بررسی آزمون F لیمر

به منظور استفاده از روش داده‌های تابلویی ابتدا باید مشخص شود که تفاوت فردی یا به اصطلاح ناهمگنی در مقاطع وجود دارد یا اینکه مقطع‌ها با هم همگن هستند؟

در برآورد مدل‌های ترکیبی با دو حالت کلی روبرو هستیم. حالت اول این است که عرض از مبدأ برای کلیه مقاطع یکسان است که در این صورت با مدل پول دیتا مواجه هستیم. حالت دوم عرض از مبدأ برای تمام مقاطع متفاوت است که به این حالت پانل دیتا گفته می‌شود. برای شناسایی دو حالت فوق از آزمون F لیمر استفاده می‌شود. در جدول ۱ مقدار آماره آزمون F لیمر و سطح احتمال آن ارائه شده است.

جدول ۱. نتایج آزمون F لیمر

نوع داده‌ها	نتیجه آزمون	مقدار ارزش احتمال (prob)	درجه آزادی	مقدار آماره آزمون F
-------------	-------------	--------------------------	------------	---------------------

پانل	رد فرض صفر	۰/۰۰۲۵۳	(۱۸/۷۵)	۴/۸۷۵۶۱
------	------------	---------	---------	---------

مأخذ: یافته‌های تحقیق

باتوجه به اینکه مقدار به دست آمده از آزمون F لیمر (۰/۰۰۲۵۳) کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، از اینرو می‌توان فرضیه صفر مبنی بر روش پانل دیتا بودن داده‌ها را رد نمود و روش پانل دیتا (داده‌های تابلویی) بودن داده‌های تحقیق را پذیرفت.

۲-۲-۶. بررسی آزمون هاسمن

روش استفاده شده در این تحقیق پانل دیتا^۱ می‌باشد. با توجه به این که در این روش مدل موردنظر با یکی از دو حالت اثرات ثابت و یا اثرات تصادفی تخمین زده می‌شود، با استفاده از آزمون هاسمن (با توجه به جدول زیر) مدل با استفاده از اثرات ثابت تخمین زده شده است لذا نتایج آزمون هاسمن در جدول (۲) انعکاس یافته است.

جدول ۲. نتایج آزمون هاسمن برای انتخاب بین اثرات ثابت و تصادفی مدل تحقیق

نوع مدل	نتیجه آزمون	مقدار ارزش احتمال	درجه آزادی	مقدار آماره کای دو
اثرات تصادفی	تایید فرض صفر	۰/۱۶۳۴	۸	۸/۸۷۵۵۴

مأخذ: یافته‌های تحقیق

باتوجه به اینکه مقدار احتمال به دست آمده از آزمون هاسمن (۰/۱۶۳۴)، بیشتر از ۰/۰۵ شده است، با سطح اطمینان ۹۵٪ فرض صفر مبنی بر عدم تفاوت سیستماتیک در ضرایب می‌توان تایید نمود. اثرات تصادفی، کارایی بیشتری نسبت به اثرات ثابت دارد لذا از رگرسیون با اثرات تصادفی استفاده می‌نماییم.

۳-۶. آزمون تصریح هاسمن

شرط لازم برای برآورد سیستم معادلات همزمان، اثبات درونزایی متغیرهای درونزای سیستم است. برای این منظور آزمون هاسمن استفاده می‌شود. جهت آزمون درونزایی متغیر نرخ رشد اقتصادی در معادله شاخص کیفیت نهادی به صورت زیر عمل شده است:

در ابتدای متغیر وابسته توسعه اقتصادی را همراه با متغیرهای مستقل برون زا برآورد کرده و مقادیر پسماندها را به صورت یک متغیر جداگانه جدید در مدل متغیر وابسته شاخص کیفیت نهادی برآورد می‌کنیم و حال اگر ضریب آن معنادار باشد، نشان می‌دهد که متغیر توسعه اقتصادی در معادله شاخص کیفیت نهادی درونزا است بنابراین براساس برآورد ذیل، درونزایی متغیر تولید ناخالص داخلی مورد تأیید قرار گرفت (بالتاجی، ۲۰۱۲ و گجراتی، ۲۰۱۰).

جدول ۳. نتایج آزمون درونزایی بودن متغیر نرخ رشد اقتصادی

مقدار ارزش احتمال	ضریب	نام متغیر
۰/۰۰۰۲	-۷/۴۲۳۶۱	U _{it}

مأخذ: یافته‌های تحقیق

براساس برآورد بالا، درونزایی متغیر شاخص کیفیت نهادی در معادله توسعه اقتصادی مورد بررسی قرارداد و نتیجه آن به صورت ذیل ارائه می‌گردد:

جدول ۴. نتایج آزمون درونزایی بودن متغیر شاخص کیفیت نهادی

مقدار ارزش احتمال (Prob)	ضریب	نام متغیر
۰/۰۰۰۳۶	-۳/۸۵۷۴۵	U _{it}

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۶-۴. تخمین مدل به روش سیستم معادلات پویا

برای حل مدل‌های اقتصادسنجی، که از طریق متغیرهای مختلف در ارتباط باهم هستند از روش سیستمی داده‌های ترکیبی استفاده می‌شود (گجراتی^۱، ۲۰۱۰، بالتاجی^۲، ۲۰۱۲). براساس جدول ذیل برآورد مدل (۱) را با متغیر وابسته توسعه اقتصادی نشان می‌دهد و متغیرهای شاخص نهادی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی، شاخص کیفیت نهادی و کل نیروی کار متغیرهای مستقل می‌باشند.

جدول ۵. نتایج تخمین معادله نرخ رشد اقتصادی با رویکرد سیستمی داده‌های ترکیبی

$\dot{CH} = C_{it} + \beta_1 ENTR_{it} + \beta_2 FDI_{it} + \beta_3 KI_{it} + \beta_4 LHC_{it} + INST_{it} + e_{it}$ Method: Two-Stage Least Squares				
نام متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	P-value
عرض از مبدأ (C)	۲/۴۵۲۳۲	۰/۰۲۳۳۵۶	۱۰۴/۹۹۷۴	۰/۰۰۳۲
ENTR	۰/۰۶۳۲۱۲	۰/۰۰۳۶۴۱۲	۱۷/۳۶۰۲۱	۰/۰۰۰۲
FDI	۰/۵۳۳۶۲	۰/۰۳۲۴۱۶	۱۶/۴۶۱۲۳	۰/۰۰۰۳
KI	۰/۴۲۶۶۱	۰/۰۷۴۲۵۶	۵/۷۴۵۱	۰/۰۰۰۶
LHC	۰/۲۳۵۵۶	۰/۰۳۲۱۶۵۶	۷/۳۳۱۶	۰/۰۰۰۲
INST	۰/۶۳۴۲۲	۰/۰۳۱۶۲	۲۰/۰۵۷۵	۰/۰۰۰۱
آماره‌های رگرسیون	$R^2 = ۰/۹۲۳۳۶$	$F = ۳۵/۷۵۵۶$	F احتمال آماره = $۰/۰۰۰۰۰۲$	$D.W = ۱/۸۵۲۳$

مأخذ: یافته‌های تحقیق

آزمون فرضیه اول: شاخص‌های کیفیت نهادی (فضای کسب و کار) بر توسعه اقتصادی تأثیر مثبت و معناداری دارد.

آزمون فرضیه دوم: توسعه سرمایه انسانی و توسعه مالی تأثیر مثبت و معناداری بر توسعه اقتصادی دارد.

نتایج جدول مذکور نشان می‌دهد که ضرایب متغیرهای مستقل، معنادار بوده می‌باشد. از طرفی بیش از ۹۲ درصد تغییرات متغیر وابسته از طریق متغیرهای مستقل مدل قابل توضیح است. با توجه به نتایج حاصل از تخمین معادله رشد اقتصادی (جدول ۶) مشاهده می‌شود که در این معادله ضریب متغیر شاخص کیفیت نهادی، در سطح ۹۵٪ معنادار است. علامت مثبت این ضریب به این معنا است که با افزایش کارآفرینی و نوآوری، رشد اقتصادی بیشتر شده و نابرابری اقتصادی کاهش می‌یابد. بنابراین اغلب کشورهای مورد مطالعه کارایی محور می‌باشند و تأثیر مثبت افزایش شاخص کیفیت نهادی بر توسعه اقتصادی و درآمد سرانه با ارتقای بهره‌وری کشور توضیح داده می‌شود. البته از طرفی اثر غیر مستقیم ناشی از افزایش کارایی بخش‌های مختلف اقتصادی باعث بیشتر شدن بهره‌وری کل عوامل تولید و توسعه اقتصادی بیشتر خواهد گردید. از سوی دیگر مطابق تئوری رقابت پذیری ناشی از ظهور کسب و کارهای نوپا نیز به طور غیرمستقیم کیفیت و کمیت تولیدات مولد اقتصاد را بهبود بخشیده و بر رشد اقتصادی تأثیر مثبت دارد (الیاسون^۳ ۱۹۹۶ و کرزور ۱۹۷۳).

در بررسی رابطه سرمایه‌گذاری خارجی بر توسعه اقتصادی در مدل تحقیق، علامت ضریب مثبت و معنادار می‌باشد که حاکی از اثر مثبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر توسعه اقتصادی خواهد بود و از طرفی جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در این کشورها باعث ایجاد فرصت‌های تجاری جدید، افزایش درآمدهای مالیاتی دولت، افزایش ظرفیت تولید و

^۱ Gojraty, ۲۰۱۰

^۲ Baltagi, ۲۰۱۲

^۳ Eliasson, ۱۹۹۶

بهره وری و در نهایت باعث توسعه اقتصادی خواهد شد. با توجه به جدول فوق، اثرگذاری متغیر سرمایه ثابت ناخالص داخلی بر توسعه اقتصادی مثبت و معنادار بوده و بیانگر این است که انباشت سرمایه فیزیکی در کشورها در ارتقای تولید و بهره وری می تواند موثر باشد.

اثر متغیرهای سرمایه انسانی (HC) و کیفیت نهادها (INST) بر توسعه اقتصادی در این برآورد مثبت است، بدین معنی که این دو متغیر در جهت بهبود رشد و توسعه اقتصادی این جوامع حرکت می کنند و تاحدودی از وقوع پدیده بلای منابع جلوگیری می کنند. ارتقای کیفیت نهادها و سطح توسعه انسانی در جوامع مورد بررسی، می توانند مانع توسعه اقتصادی شوند. اثرهای تقاطعی هر دو شاخص سرمایه انسانی و کیفیت نهادها بر توسعه اقتصادی مثبت است؛ بنابراین، می توان نتیجه گرفت که دو شاخص می توانند از وقوع بلای منابع جلوگیری کنند. جدول ۶ معادله مربوط به شاخص کارآفرینی نوپا می باشد که "متغیرهای شاخص توسعه اقتصادی (لگاتوم)"، "شاخص مقررات کسب و کار"، "کیفیت نهادها" و "هزینه دولت در آموزش" متغیرهای مستقل این معادله هستند.

جدول ۶. نتایج تخمین معادله شاخص کیفیت نهادی با رویکرد سیستمی داده های ترکیبی

$INST_{it} = C + \beta_1 CH_{it} + \beta_2 DBA_{it} + \beta_3 EG_{it} + ENTR_{it} + e_{it}$ Method: Two-Stage Least Squares				
نام متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	P-value
عرض از مبدأ (C)	۴۷/۸۵۵۲	۲/۹۶۷۶۳۴	۱۶/۱۲۵۷	۰/۰۰۰۰۳
CH _{it}	۵/۶۷۵۵۵	۰/۶۴۶۳۱۱	۸/۷۸۱۴	۰/۰۰۰۰۲
DBA	۰/۶۳۱۵۵	۰/۰۳۳۶۶	۱۸/۷۶۲۶	۰/۰۰۰۰۴
EG	۰/۷۸۵۵۶	۰/۰۳۶۶۴	۲۱/۴۳۵۶	۰/۰۰۰۰۳
ENTR	۰/۹۶۳۱۴۱	۰/۰۶۸۸۶۶	۱۳/۹۸۵۷	۰/۰۰۰۰۲
آماره رگرسیون	$R^2 = ۰/۹۴۳۶۶$	$F = ۱۸/۸۲۲۱$	$F = ۰/۰۰۰۰۰۲$ احتمال آماره	$D.W = ۱/۸۶۶۴۱$

مأخذ: یافته های تحقیق

آزمون فرضیه سوم: شاخص های کیفیت نهادی (کارآفرینی) بر توسعه اقتصادی تأثیر مثبت و معناداری دارد.

نتایج جدول مذکور نشان می دهد که ضرایب متغیرهای مستقل، معنادار بوده و معناداری آماره کل رگرسیون، معناداری کل رگرسیون را می رساند. از طرفی بیش از ۹۴ درصد تغییرات متغیر وابسته از طریق متغیرهای مستقل مدل قابل توضیح است.

نتایج حاصل از برآورد فوق نشان می دهد، متغیر توسعه اقتصادی که در این معادله دارای اثر مثبت و معناداری بر شاخص کیفیت نهادی می باشد. از طرفی بیشتر مطالعات، نشان دهنده رابطه یک طرفه تأثیر کیفیت نهادی (شاخص کارآفرینی و فضای کسب و کار) بر توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه می باشد و نوآوری این تحقیق بیانگر این است که همزمان رابطه دو سویه توسعه اقتصادی و کیفیت نهادی (شاخص کارآفرینی و فضای کسب و کار) کشورهای در حال توسعه وجود دارد و دلیل آن هم به ارتقای توسعه سرمایه انسانی و نوآوری و هزینه های بیشتر تحقیق و توسعه در این کشورها می باشد و در نهایت با شکل گیری استارت آپ های فناوری محور و حمایت های خصوصی و دولتی در تجاری سازی مقیاس تولید آن ها به تقویت انگیزه خلاقیت پروری نسل های جدید و اعتماد به نفس در موفقیت کارآفرینی های نوپا می گردد.

بنابراین تاثیر فضای کسب و کار مساعد، بر افزایش جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، ایجاد اشتغال و توسعه اقتصادی مشهود است. با وجود این، طی سال‌های پس از اعلام آمارهای جهانی از رتبه بندی فضای کسب و کار در کشورهای مختلف، دیدگاه‌های متفاوتی در زمینه جایگاه کشورمان مطرح می‌شود. این شرایط موجب شده بهبود فضای کسب و کار با توجه به چالش‌های پیش روی اقتصاد کشور به ضرورتی انکارناپذیر تبدیل شود. با این وجود به نظر می‌رسد هنوز هم بسترهای مناسب برای ایجاد فضای امن سرمایه‌گذاری و کسب و کار در کشورمان چندان فراهم نبوده و برای رسیدن به جایگاه واقعی اقتصاد ایران در زمینه شاخص فضای کسب و کار، فراهم کردن برخی زیرساخت‌ها اجتناب‌ناپذیر است بنابراین توجه به مبادله به‌عنوان خاستگاه هزینه باعث شده مفهوم هزینه مبادله در سه بخش بازار، بنگاه و نهاد مورد بررسی قرار گیرد. بحث نهادها و ایجاد محیط نهادی می‌تواند عاملی برای شاخص سازی هزینه مبادله باشد. از همین روی چنانچه در محیط نهادی هر یک از نهادهای موجود از قبیل قوانین و مقررات، قواعد، عادات، رسوم، سنت ها و ... که در پیشبرد معاملات از اهمیت فراوانی برخوردار هستند پیچیده‌تر و دشوارتر گردند، مبادله نیز به‌سختی شکل می‌گیرد و هزینه های زیادی را بر دوش طرفین مبادله قرار می‌دهد. در نتیجه، ایجاد یک محیط نهادی امن و آزاد که به واسطه‌ی ترتیبات نهادی مناسب حاصل آمده، مبادلات را آسان تر می‌کند و هزینه مبادله را کاهش می‌دهد. بر اساس مدل برآورد شده متغیرمستقل شاخص مقررات کسب و کار انتظار می‌رود مثبت و معنی دار باشد و افزایش بهبود فضای کسب و کار باعث افزایش توسعه اقتصادی در این کشورها از جمله ایران شود. بر این اساس، با افزایش شاخص فضای کسب و کار و ارتقای سطح اطمینان سرمایه‌گذاران و فراهم نمودن شرایط مناسب برای فعالیت آن‌ها توسعه اقتصادی خود را افزایش دهند. در واقع زمانی که موانع اداری برای ایجاد یک کسب و کار کاهش یابد و مقررات دست و پا گیر و زمان بر از بین برود و شفافیت اطلاعات بازار کار و پیش بینی آینده یک کسب و کار برای کارآفرین میسر شود و سیاست های تشویقی دولت مانند کاهش مالیات، وام های کم بهره و بازپرداخت طولانی مدت افزایش یابد کارآفرین با امید و انگیزه بیشتری وارد بازار کار می‌شود.

با بررسی بیشتر می‌توان در توضیح تاثیر مثبت ضریب متغیر هزینه دولت در آموزش بر توسعه اقتصادی می‌توان گفت باتوجه به اینکه در قوانین موجود، برخورداری از همه افراد از آموزش و پرورش رایگان در تمام سطوح و تسهیل آموزش عالی می‌باشد، که اثرات ضریب مثبت آن نیز برای معادله شاخص کیفیت نهادی (کارآفرینی نوپا و فضای کسب و کار) مثبت و معنادار شده است؛ که این موضوع نشان می‌دهد هرچه دولت در زمینه آموزش، هزینه‌هایی با برنامه‌ریزی درست و هدفمند انجام دهد و در جهت آموزش کارآفرینی در مراکز آموزشی مانند مدارس، دانشگاه‌ها تلاش کند انگیزه، خلاقیت و خلق ایده‌های جدید و در نتیجه کارآفرینی نوپا افزایش می‌یابد. و در نهایت از یک بعد، سرمایه انسانی به عنوان یک عامل مستقیم ایجاد درآمد و تولید و همچنین به عنوان عامل ایجاد و بکارگیری سرمایه فیزیکی و تکنولوژی، می‌تواند به طور مستقیم نقش تعیین کننده‌ای در رشد اقتصادی داشته باشد. از این بعد، سرمایه انسانی تا حد زیادی متأثر از چارچوب نهادی است. از بعد دیگر، سرمایه انسانی نقشی قاطع در شکل دهی و تحول نهادها، به عنوان عوامل بنیادی تولید دارد. از این بعد، سرمایه انسانی مؤثر بر چارچوب نهادی است. بنابر این لازم است این دو بعد سرمایه انسانی و نیز سازوکارهای تعامل آن‌ها با نهادها مورد بحث قرار گیرند.

۷- نتیجه گیری و پیشنهادات

باتوجه به نتایج حاصله، شاخص کیفیت نهادی به این دلیل که ضریب شاخص مقررات کسب و کار مثبت است می‌توان گفت این متغیر (شاخص مقررات کسب و کار) تأثیر مثبت و معناداری بر توسعه اقتصادی داشته و باتوجه به اینکه متغیر شاخص کیفیت نهادی (کارآفرینی نوپا و فضای کسب و کار) که به عنوان متغیر مستقل در معادله مربوط به توسعه

اقتصادی وجود دارد دارای اثرات مثبت و معناداری بر توسعه اقتصادی است، با توجه به موارد بیان شده می توان نتیجه گرفت شاخص کیفیت نهادی (فضای کسب و کار) با تأثیر مثبت و معنی دار بر شاخص کیفیت نهادی به طور غیرمستقیم بر توسعه اقتصادی تأثیر گذار می باشد و فرضیه اول مبنی بر تأثیر فضای کسب و کار بر توسعه اقتصادی با توجه به معناداری ضرایب و مثبت بودن آن، پذیرفته می شود.

در نهایت شاخص کیفیت نهادی (فضای کسب و کار) به عنوان متغیر مستقل در معادله توسعه اقتصادی در نظر گرفته شده که مثبت و معنی دار می باشد در نهایت شاخص کیفیت نهادی (فضای کسب و کار) تأثیر مثبت و معنادار بر شاخص کیفیت نهادی دارد و فرضیه سوم نیز پذیرفته می شود.

می توان نتیجه گرفت ارتباط مثبت میان شاخص مقررات کسب و کار و توسعه اقتصادی بیانگر آن است که هر قدر در یک کشور مقررات سالم و کارآمد و فضای مناسب کسب و کار برقرار باشد باعث ایجاد یک محیط رقابتی شده و میزان سرمایه گذاری مستقیم خارجی بیشتر می شود که این موضوع خود باعث توسعه اقتصادی می گردد از سوی دیگر رابطه مثبت میان شاخص کیفیت نهادی نشان می دهد بهبود شرایط محیط کسب و کار و کاهش بروکراسی اداری بستر را برای ورود کارآفرینان به عرصه فعالیت های اقتصادی مهیا و این فرآیند به توسعه اقتصادی کمک می کند. بهبود شرایط و شاخص های فضای کسب و کار از جمله توسعه نظام بانکی و کاهش زمان لازم برای اخذ مجوز، رشد و پویایی در هر کشوری را فراهم می آورد به گونه ای که با افزایش اعتبارات و دارایی های بانکی به عنوان پشتوانه و تامین کننده اصلی مالی در اکثر کشورها مطرح می باشد و باعث بهبود فضای کسب و کار و تولید کشور می شود.

از نتایج به دست آمده می توان استنتاج کرد که نهادهای حاکمیتی یا در شکل کلی تر حکمرانی خوب نسبت به نهادهای دموکراتیک از درجه اهمیت بیشتری برای توسعه اقتصادی برخوردار هستند. اما باید توجه داشت همان طور که اشاره شد، اثر دموکراسی بر توسعه انسانی بیشتر به عوامل نهادی دیگر نظیر حقوق مالکیت و حقوق مدنی بستگی دارد چرا که در صورت وجود چنین نهادهایی دموکراسی از طریق پاسخگویی داشتن مسئولان، شفافیت در عملکرد و جریان اطلاعات و همچنین اتخاذ تصمیمات مردمی که نمونه عالی آن را می توان ملاحظه نمود، باعث بهبود عملکرد اقتصادی می شود.

علاوه بر آزمون شاخص های شش گانه حاکمیتی به طور جداگانه متوسطی از این شاخص ها تحت عنوان شاخص حکمرانی خوب نیز مورد آزمون واقع شده است. ضریب به دست آمده برای این شاخص کلی مطابق پیش بینی مثبت و معنی دار بوده و بیانگر این است که حکمرانی خوب یعنی داشتن دولتی توانمند که به وظایف حاکمیتی خود به خوبی عمل نموده و باعث تشویق سرمایه گذاری در فعالیت های تولیدی و ممانعت از فعالیت های ضد تولیدی نظیر فساد، رانت جویی و غیره گردد.

بنابراین در نهایت با مقایسه با تحقیقات دیگر محققین پیشنهادات کاربردی تحقیق ارائه می شود.

با عنایت به تحقیق آبیاسینگه^۱ (۲۰۱۴) و پولتروویچ و پوپف^۲ (۲۰۱۷) در کشورهای گروه جی هفت شامل کشورهای توسعه یافته است، بسیاری از متغیرها مانند دموکراسی، حقوق مالکیت، سرمایه انسانی و کیفیت نهادها و ... در این کشورها دارای عملکرد مناسبی می باشند. بنابراین در این گروه از کشورها اثرات شاخص های حقوق مالکیت، دموکراسی و وفور منابع بر روی رشد و توسعه اقتصادی مثبت باشد که با ملاحظه ضرایب مثبت این متغیر در جدول ذیل می توان این موضوع را اثبات کرد و در این کشورها پدیده نفرین منابع (بیماری هلندی) اتفاق نیفتاده است. از طرفی متغیر دموکراسی به دلیل اثرات بازتوزیعی و ثبات بیشتر سیاسی در کشورهای توسعه یافته گروه هفت مثبت و معنی دار بوده

۱. Abeyasinghe (۲۰۱۴)

۲. Polterovich & Popov (۲۰۱۷)

است که مطالعات آبیاسینق (۲۰۱۴) و پولاتروویچ و پوپف (۲۰۱۷) تایید کننده نتیجه برآورد می باشد. براساس نتایج بدست آمده از برآورد، اثر متغیر حقوق مالکیت نیز روی رشد اقتصادی مثبت و معنی دار است یعنی، حمایت قوی تر از حقوق مالکیت، باعث افزایش سرمایه گذاری کشورهای توسعه یافته گروه جی هفت در فعالیتهای تحقیق و توسعه شده، اختراع داخلی و نوآوری ها را ترغیب کرده است افزایش نوآوری ها در کشورهای توسعه یافته باعث افزایش رشد اقتصادی این کشورها شده است. بنابراین می توان این ضریب را این گونه تفسیر کرد: اگرچه حمایت از حقوق مالکیت ممکن است انگیزه برای اختراع و نوآوری به وجود آورد، اما در کشورهای در حال توسعه گروه دی هشت ظرفیت محدودی برای استفاده از این حمایت وجود دارد همچنین، با افزایش حمایت از حقوق مالکیت نرخ تقلید در کشورهای در حال توسعه کاهش می یابد و باعث کاهش سرعت رشد اقتصادی این کشورها می شوند و شواهد هیجین و اشنایدرا^۱ (۲۰۱۵) نیز نتایج ما را تایید می کند.

براساس مقایسه نتایج تحقیق با مطالعه لاو و همکاران (۲۰۲۰) متغیرهای شاخص های کیفیت نهادها و سرمایه انسانی همان گونه که دیده می شود ضریب شاخص سرمایه انسانی و لگاریتم نسبت سرانه سرمایه ناخالص در تمام مدل های برآورد شده مثبت و در سطح بالایی معنی دار بوده، همچنین با توجه به نتایج، اثرات مثبت شاخص های کیفیت نهادها، آزادی اقتصادی و رابطه مبادله مشخص است و به تبعیت از نتیجه گیری های مطالعات پیشین، در اینجا نیز می توان عنوان کرد یکی از عواملی که در وقوع نفرین منابع طبیعی به طور معنی دار مؤثر است، شاخص سرمایه انسانی و کیفیت نهادها است. لذا اثرات تقاطعی شاخص سرمایه انسانی و کیفیت نهادها برای کشورهای وابسته و غیروابسته به منابع که سطح بالایی از شاخص سرمایه انسانی را دارا هستند، با بهبود سرمایه انسانی و کیفیت نهادها بالخصوص در کشورهای دارای وفور منابع اثرات منفی، بر روی رشد اقتصادی را خنثی کرده و اثرگذاری آنها را مثبت می کند و بنابراین از وقوع پدیده نفرین منابع می توان جلوگیری کرد. پس می توان نتیجه گرفت که چون کشورهای صنعتی اصولاً جزو کشورهای توسعه یافته تر بوده و دارای ثبات اقتصادی، سیاسی و نهادی بیشتری و نیز دارای امکانات زیرساخت های مناسب تری برای مراحل رشد و توسعه هستند، پس دارای ضرایب بالاتری می باشند. اما در کشورهای در حال توسعه گروه دی هشت، ضرایب کوچکتری بوده که نشان دهنده اثرات ضعیف تری است و این تنها به دلیل اهمیت ندادن به متغیرهای نهادی در این کشورها و نیز نوسانات سیاسی بیشتر و نبود ثبات اقتصادی در کشورهای با درآمد سرانه پایین و در حال توسعه است. همچنین تاثیر متغیر سرانه هزینه های دولت در دوره مورد بررسی در این گروه از کشورها نیز منفی بوده، پس سرانه هزینه های دولت در هر دو گروه کشورها اثر منفی بر رشد اقتصادی داشته است. همان گونه که از نتایج مدل مشخص است، اثر رابطه مبادله و آزادی اقتصادی بر رشد مثبت بوده که در تایید نظرات لاو و همکاران^۲ (۲۰۲۰) کشورهای که دارای شاخص درجه آزادی بزرگتری هستند صادرات بیشتری نسبت به کشورهای که دارای شاخص کوچکتری هستند می باشند است.

در نهایت لذا با توجه به مطالب بیان شده پیشنهادهای زیر ارائه می شود:

۱. موجودی سرمایه انسانی برحسب مهارت های شناختی کسب شده در نظام آموزشی در سطح پایینی قرار دارد. به منظور ارتقاء عملکرد اقتصادی لازم است، برنامه های آموزشی با رویکرد نیل به سطوح بالای یادگیری در حوزه شناختی، یعنی ایجاد توانایی حل مسئله و ارتقاء خلاقیت تقویت شوند.

^۱.Schneider(۲۰۱۵)

^۲.Law et 'al(۲۰۲۰)

۲. سرمایه‌گذاری در سرمایه فیزیکی و انسانی در صورتی به بهبود عملکرد اقتصادی منجر می‌شود که چارچوب نهادهای اقتصادی موجود مشوق تولید و نه رانت جو باشد. از این رو لازم است حاکمیت قانون و به ویژه قوانین مربوط به حقوق مالکیت به روشنی تعریف شده و به قوت اجرا شوند. حقوق مالکیت خود بخش مهمی از حقوق بشر است.

۳. شکل‌گیری و تداوم حیات کسب و کار، نیاز به عوامل و بسترهای مساعد محیطی، عوامل اقتصادی (نرخ مناسب تورم، رشد اقتصادی)، سایر بسترها و زیر ساخت‌ها از جمله اخذ مجوز آسان، قوانین مناسب جهت حمایت از مالکیت فکری، قوانین مناسب مالیاتی و گمرکی و... دارد؛ لذا توجه به تسهیل فضای کسب و کار می‌تواند با فراهم نمودن شرایط مناسب جهت ظهور کسب و کارهای کارآفرینانه و به ویژه فناوری محور، زمینه توسعه و رشد اقتصادی را فراهم نماید.

۴. فضای کسب و کار از حوزه‌های استراتژیک توسعه صنعتی و توسعه فضای کسب و کار است که ناشی از عواملی چون بهره‌وری و اشتغال نیروی کار، سرمایه‌گذاری، آزادی‌های اقتصادی تولیدکنندگان و ظرفیت‌های تولیدی است. از سوی دیگر، با توجه به اینکه سلامت محیط کسب و کار از عوامل رقابت‌پذیری کشورها در اقتصاد جهانی است، می‌توان با آسان‌سازی و حفظ ثبات در قوانین و عدم تغییرات مکرر قوانین مربوط به مقررات کسب و کار، سلامت محیط کسب و کار را فراهم و راه رسیدن به پیشرفت و توسعه اقتصادی را هموار نمود.

منابع

۱. ابراهیمی، یزدان و فرجادی، غلامعلی. (۱۳۸۸). آموزش عالی مشوق رشد در اقتصادهای باز. فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۵۴، ص ۴۹-۶۱.
۲. برگستروم، ویلی (۱۳۷۸) «دولت و رشد»، ترجمه علی حیاتی، سازمان برنامه و بودجه، تهران.
۳. سرفراز محمدیار، مریم، سخنور، محمد و انتظار، الناز. (۱۴۰۲). تأثیرات غیرخطی عوامل نهادی بر توسعه مالی: شواهدی از کشورهای منتخب. دوفصلنامه علمی مطالعات و سیاست‌های اقتصادی، ۱۰(۲)، ۲۴۳-۲۷۲.
۴. سعیدی، شاهرخ، صمصامی، حسین و داودی، پرویز. (۱۴۰۱). بررسی اثرات عوامل نهادی و سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی: مطالعه موردی کشورهای منتخب در حال توسعه. اقتصاد و الگو سازی، ۱۳(۱)، ۱۱۹-۱۵۱.
۵. صیادزاده، ع. و علمی، ز. (۱۳۹۰)، رابطه فساد و سرمایه اجتماعی در الگوهای رشد. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه، شماره ۵۰، ۳۵-۱۵.
۶. عبادی، جعفر و نیکونستی، علی. (۱۳۹۱). منابع طبیعی، نهاد ها و رشد اقتصادی، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۴، ص ۳۵-۴۶.
۷. عزتی، مرتضی، عاقلی، لطفعلی، و کرمی، وجیهه. (۱۳۹۸). ارزیابی اثر عوامل نهادی و سیاسی بر توسعه مالی در کشورهای اسلامی منتخب. پژوهش‌های برنامه و توسعه، ۱(۲)، ۳۵-۶۰.
۸. عزیزی، زهرا، براری، آسیه و احمدپور کچو، علی. (۱۴۰۰). تأثیر شاخص‌های کیفیت نهادی بر توسعه مالی (مطالعه موردی: کشورهای در حال توسعه منطقه اوراسیا). دوفصلنامه علمی مطالعات و سیاست‌های اقتصادی، ۸(۱)، ۲۵۱-۲۷۸.
۹. گیلیس، ملکوم و پرکینز، دوایتاچ و رومر، مایکل و اسنودگراس، دانلدآر (۱۳۷۹)، اقتصاد توسعه، ترجمه: غلامرضا آزاد ارمکی، نشر نی.
۱۰. مبارک، اصغر و زیبا آذریبوند (۱۳۸۸)، «نگاهی به شاخص‌های حکمرانی خوب از منظر اسلام و تأثیر آن بر رشد اقتصادی»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال نهم، شماره ۳۶، صص ۲۰۸-۱۷۹.
۱۱. مهرآرا، محسن و کیخا، علیرضا (۱۳۸۷)، «نهادها، نفت و رشد اقتصادی در کشورهای متکی به نفت طی دوره ۱۹۷۵-۲۰۰۵: روش پانل هم انباشتگی»، فصلنامه اقتصاد مقداری (بررسی‌های اقتصادی سابق)، شماره ۴، صفحات ۷۹-۵۵.
۱۲. Acemoglu Daron, Simon Johnson and James A. Robinson (۲۰۰۱) « The Colonial Origins of Comparative Development: An Empirical Investigation» American Economic Review, Vol ۹۱, No.۵, PP. ۱۳۶۹-۱۴۰۱.
۱۳. Acs, Z. J., Estrin, S., Mickiewicz, T., & Szerb, L. (۲۰۱۸). Entrepreneurship, institutional economics, and economic growth: an ecosystem perspective. Small Business Economics, ۵۱(۲), ۵۰۱-۵۱۴.
۱۴. Adesoye, Bolaji & Atanda Akinwande (۲۰۱۴). "Development Finance Institutions in Nigeria: Structure, Roles and Assessment", Research Journal of Finance and Accounting, Vol. ۵, No. ۱۲, pp. ۲۶-۳۱.
۱۵. Afonso, A., & Aubyn, M. S. (۲۰۰۵). Non-parametric approaches to education and health efficiency in OECD countries. Journal of applied economics, ۸(۲), ۲۲۷-۲۴۶.
۱۶. Ahmad, R., & Hasan, J. (۲۰۱۶). Public health expenditure, governance and health outcomes in Malaysia. Jurnal Ekonomi Malaysia, ۵۰(۱), ۲۹-۴۰.

17. Aidis, R., Estrin, S. and Mickiewicz, T., 2008. Institutions and entrepreneurship development in Russia: A comparative perspective. *Journal of Business Venturing*, 23(6): 606-622.
18. Alexandrova, M. 2004. Entrepreneurship in a transition economy: The impact of environment on entrepreneurial orientation. *Problems and Perspectives in Management*, 2(2), 140-148.
19. Altıntaş, H., & Kassouri, Y. (2020). Is the environmental Kuznets Curve in Europe related to the per-capita ecological footprint or CO₂ emissions?. *Ecological indicators*, 113, 106-118.
20. Amaghous, J. and Ibourk, A. 2013. Entrepreneurial Activities, Innovation and Economic Growth: The Role of Cyclical Factors: Evidence from OECD Countries for the Period 2001-2009. *International Journal of Economics and Business Research*, 6(1): 153-162. And public policy. Max Planck Institute of Economics Entrepreneurship.
21. Aparicio, S. Urbano, D. & Audretsch, D. (2016). Institutional factors, opportunity entrepreneurship and economic growth: Panel data evidence. *Technological Forecasting and Social Change*, 102(12), 40-61.
22. Aparicio, S. Urbano, D. and Audretsch, D. 2016. Institutional factors, opportunity entrepreneurship and economic growth: Panel data evidence *Technological Forecasting and Social Change*, publisher Elsevier, 102(12): 40-61.
23. Asghar, N., Hussain, Z., & Rehman, H. U. (2012). The impact of government spending on poverty reduction: Evidence from Pakistan 1972 to 2008. *African Journal of Business Management*, 6(3), 140-153.
24. Badeeb, R. & Lean, H. (2017). "Financial Development, Oil Dependence and Economic Growth: Evidence from the Republic of Yemen". *Studies in Economics and Finance*, 32(5), 281-298.
25. Boikos, S. (2013). Corruption, Public Expenditure, and Human Capital Accumulation. The Rimini center for economic analysis, working paper, (No. 13_13).
26. Carrin, G., Mathauer, I., Xu, K., & Evans, D. B. (2008). Universal coverage of health services: tailoring its implementation. *Bulletin of the World Health Organization*, 86, 807-813
27. Castaño M. S. Méndez, M.T. and Galindo, M.A. 2016. The effect of public policies on entrepreneurial activity and economic growth» *Journal of Business Research*, 69 (1): 528-538.
28. Chakroun, M. (2010). Health care expenditure and GDP: An international panel smooths transition approach. *International Journal of Economics*, 2(1), 189-200.
29. Colletaz, G., & Hurlin, C. (2016). Threshold effects of the public capital productivity: an international panel smooths transition approach. HAL Id: halshs-0140056.
30. Dawson, J. W. 2006. Regulatory, Investment and Economic Growth A cross Countries. *Journal of Cato.J*, 26(3): 489
31. Destek, M. A., & Sarkodie, S. A. (2019). Investigation of environmental Kuznets curve for ecological footprint: the role of energy and financial development. *Science of the total environment*, 680, 2483-2489.
32. Devece, C. Peris-Ortiz, M. and Rueda-Armengot, C. 2016. Entrepreneurship during economic crisis: Success factors and paths to failure, *Journal of Business Research*, 69(11): 5366-5370.
33. Dissou, Y., Didic, S., & Yakautsava, T. (2016). Government spending on education, human capital accumulation, and growth. *Economic Modelling*, 68, 9-21.
34. Distaso, A. (2007). Well-being and/or quality of life in EU countries through a multidimensional index of sustainability. *Ecological Economics*, 62(1), 163-180.
35. Djankov, S. McLiesh, C. and Ramalho, R.M. 2006. Regulation and growth, *Economics Letters*, 92(3): 395-401.

۳۶. Edeme, R. K., Emecheta, C., & Omeje, M. O. (۲۰۱۷). Public Health Expenditure and Health Outcomes in Nigeria. *American Journal of Biomedical and Life Sciences*, ۵(۵), ۹۶-۱۰۲.
۳۷. Eliasson, G. ۱۹۹۶. Spillovers, integrated production and the theory of the firm. *Journal of Evolutionary Economics*, ۶(۲):۱۲۵-۱۴۰.
۳۸. Fakher, H. A. (۲۰۱۹). Investigating the determinant factors of environmental quality (based on ecological carbon footprint index). *Environmental science and pollution research*, ۲۶(۱۰), ۱۰۲۷۶-۱۰۲۹۱.
۳۹. Fayissa, B., & Nsiah, C. (۲۰۱۳). The impact of governance on economic growth in Africa. *The Journal of Developing Areas*, ۴۷(۱), ۹۱-۱۰۸.
۴۰. Gillanders, R. and Whelan, K., ۲۰۱۰. Open for business? Institutions, business environment and economic development. Publisher University College Dublin. School of Economics, ۱-۲۶
۴۱. Gngangnon, S.K., Brun, J.-F., ۲۰۱۷. Impact of export upgrading on tax revenue in developing and high-income countries. *Oxf. Dev. Stud.* ۴۵ (۴), ۵۴۲-۵۶۱.
۴۲. Góes, Carlos. (۲۰۱۶). "Institutions and growth: A GMM/IV Panel VAR approach". *Economics Letters*. Volume ۱۳۸, January ۲۰۱۶, Pages ۸۵-۹۱
۴۳. Hartmann, D., et al., ۲۰۱۷. Linking economic complexity, institutions, and income inequality. *World Dev.* ۹۳, ۷۵-۹۳.
۴۴. Khan, Asif; Kong, Dongmin; Xiang, Junyi, & Jian Zhang (۲۰۱۹). "Impact of Institutional Quality on Financial Development: Cross-Country Evidence based on Emerging and Growth-Leading Economies", *Emerging Markets Finance and Trade*, Vol. ۵۶, No. ۴, pp. ۱-۱۷.
۴۵. Khan, M. K., Teng, J. Z., Khan, M. I., & Khan, M. O. (۲۰۱۹). Impact of globalization, economic factors and energy consumption on CO₂ emissions in Pakistan. *Science of the total environment*, ۶۸۸, ۴۲۴-۴۳۶.
۴۶. Klapper, L. and Inessa L. ۲۰۱۱. The Impact of Business Environment Reforms on New Firm Registration World Bank Policy Research working paper ۳۳(۲):۶۰-۸۹.
۴۷. Le, Thai; Kim, Jungsuk & Minsoo Lee (۲۰۱۶). "Institutional quality, trade openness, and financial sector development in Asia: An empirical investigation", *Emerging Markets Finance and Trade*, Vol. ۵۲, No. ۵, pp. ۱۰۴۷-۱۰۵۹.
۴۸. Lever, M.H.C. and Nieuwenhuijsen, H.R. ۱۹۹۹. The impact of competition on productivity in Dutch manufacturing. *Innovation, Industry Evolution and Employment*, Cambridge University Press. ۱۱۱-۱۲۸.
۴۹. Manki, N. Romer, G. and Weil, D. ۱۹۹۲. A contribution to the empirics of economic growth *The Quarterly Journal of Economics*, ۱۰۷(۲): ۴۰۷ - ۴۳۷.
۵۰. Martin, M.A.G., Picazo, M.T.M. and Navarro, J.L.A. ۲۰۱۰. Entrepreneurship, income distribution and economic growth. *International entrepreneurship and management journal*, ۶(۲) ۱۳۱-۱۴۱.
۵۱. North, D.C. ۱۹۹۴. Economic Performance through Time, *The American Economic Review*, ۸۴(۳): ۳۵۹-۳۶۸.
۵۲. Rodrik, D. Subramanian, A. and Trebbi, F. ۲۰۰۴. Institutions rule: The primacy of institutions over geography and integration in economic development. *Journal of Economic Growth*, ۹: ۱۳۱-۱۶۵.